

آهسته و پیوسته

ارزش تداوم عمل

یا من اظهر الجمیل و ستر القبح

نسیم خنک و با طراوت بهاری، همچون کودکی بازیگوش در لابلای درختان سر به ملکوت سائیده، می‌دوید. داشتیم در سایه‌سار باطراوت بوستان علوی قدم می‌زدیم، نفسمان عطر آگین شده بود از کلام امیر(علیه‌السلام) که رسیدیم به چهار باغ «انسان‌شناسی»، تقاطع «ظاهر و باطن»، ایستادیم به نظاره، جایتان خالی!
. از کلام مولا علی(علیه‌السلام) چنان برمی‌آید که باید به خدا پناه برد از ظاهری که بهتر از باطن باشد، مبادا ظاهر انسان آراسته به زیوری باشد که باطن، از بهتر یا لااقل معادلش بی‌بهره باشد.

تازه حتی اگر باطن آراسته‌تر از ظاهر هم باشد، چنانچه جلب نظر و رضایت مردم بر کسب رضایت خدا اولویت پیدا کند که باید نگران «نگاه توحیدی» خود باشیم.
در چنین شرایطی باید دست به دامان «معوذتین» بُرد و درون و بیرون را با سوره‌های «ناس» و «قلق» نجات داد.

این از کمال انسان است که به گونه‌ای عمل کند که در جامعه، محمود و پسندیدهٔ افکار عمومی باشد به شرط آن که «بِه به» و «چِه چِه» جماعت، او را به دام غفلت و خود فراموشی نیندازد.

البته نشانه این کمال آن است که فرد قادر باشد در راستای کسب رضایت الهی، در مواقع لازم به دیگران «نه» بگوید بدون آنکه نگران آبروی خود و تکرّر خاطر مخاطبین باشد.

به هر روی اگر چه توجّه به بازتاب رفتار و اعمال در سطح جامعه و حفظ تناسب آن با آداب اجتماعی یک ضرورت است امّا باید به این نکته توجّه داشت که آراء، افکار و سلاطی مردم دائماً در بستر زمان، دستخوش تغییر و تحول است و تکیه بر آن موجب بروز شکاف در جامعه می‌شود.

خوشه‌چینان

در یک کلاس پزشکی

نگاهی به دومین نشست ادبی سوره مبارکه زلزال

• مه‌ناز انصاری

به نام تک خالق خوشه‌های زرین وحی

ساعت ۱۶:۰۰ اینجا انجمن خوشه‌چینان، نشست ادبی

سوره مبارکه زلزال

توجه شما را به مشروحی از خبرها جلب می‌کنم:

۱. به علت خراب شدن سامانه پیامکی خوشه‌چینان، دوستان نتوانستند برخی اعضای انجمن را از مکان برگزاری نشست مطلع کنند.

خوشه‌چینان

زلزله‌اش، قلبم را به تپش وامه‌دارد

• هانیه چیت‌چیان

نگاهت که به رد نگاهش گره می‌خورد، تمامی خوبی‌های فراموش شده‌ات را به یاد می‌آوری. هوای نفسش را که می‌شنوی دلت می‌خواهد راهش را ببندی و از تمام خودت برایش بگویی. خودی که زیر بار عادت هر روز دفنش کرده بودی!

کار اندکی که ادامه یابد، از کار بسیاری که از آن به ستوه آیی امیدوار کننده‌تر است.

نهج البلاغه حکمت ۲۷۸

. در زندگی روزمره شما حتماً کارهایی هست که انجام آنها برای شما خسته‌کننده و ملال‌آور است، به راستی با این مسأله باید چگونه مواجه شد؟ آیا رهایی از شرّ این قبیل کارها امکان‌پذیر است؟

از دیدگاه حضرت علی(علیه‌السلام) «کار قلیل مداوم»، امیدوارکننده‌تر از «کار کثیر اما خسته‌کننده» است.

اساساً اگر کاری باب میل انسان باشد باعث ایجاد رغبت در او می‌گردد همان‌طور که انجام کار از سر نارضایتی، خستگی و ملال را به دنبال دارد.

بنابراین لازم است کارهای لازم‌الاجرای را که احیاناً ملال‌آور نیز هستند، چنان با مدیریت در برنامه کاری خویش گنجانده که رنگ و بوی ملال به خود نگیرند.

باید در نظر داشت که ذاتاً در طبع فعل خستگی آور، دوام وجود ندارد و این بدان معناست که اگر در انجام کاری مداومت می‌بینیم، آن کار ملال‌آور نبوده است. حال اگر کاری خوب باشد ولی بنا به دلایلی نتواند ادامه پیدا کند، باید چاره‌ای اندیشید و برای انجام آن راهکاری پیدا کرد و گرنه در شرایط موجود اصرار بر آن آثاری منفی به دنبال خواهد داشت.

به عنوان نمونه برای ایجاد انگیزه و جلوگیری از خستگی، می‌توان کارهای بزرگ را چنان خرد و بخش‌بخش کرد که اجزای ملال‌آور در میان انبوه بخش‌های رغبت‌زا رنگ ببازد.

خلاصه آنکه تحت هر شرایطی نباید کار به گونه‌ای باشد که انسان را به ستوه آورد و طبیعتاً بر پایه همین نگاه اگر بخواهیم به کلام حضرت عمل کرده باشیم، لازم است که در همین لحظه نقطه پایان متن را بر کاغذ بنشانیم مبادا بر ملال شما بیفزاییم.

۲. مکان برقراری چون خراب بود، نشست به یکی از کلاس‌های دانشکده پزشکی منتقل شد. (ای کاش بودید و می‌دید که چی بود. نه برق داشت، نه کولر داشت، هیچی نداشت اما سنش روشنایی داشت)
۳. آقای دژبخش (مجری طرح، حامی آقایون) به علت نامعلومی از حضور در این نشست انصراف دادند. (هرچند که دوستان جای خالی ایشان را پر کردند)
۴. آقای چیت‌چیان به جای این که از روی پله به روی سن بروند از جلوی سن بالا رفتند. (احتمالاً پله را ندیدند)
۵. آقای محمدی به علت نامعلومی نتوانستند صدای قاری قرآن را درست کنند و این صدا مثال نوار قلب بالا و پایین می‌رفت (اشکالی ندارد اولش همیشه اینجوری است). همچنین باز به علت نامعلومی پشت میز کامپیوتر پنهان شده بودند.

یکباره می‌ایستد و راهش را به سوی تو کج می‌کند. نفس‌ت بند می‌آید. بسامد طنین آسمانی‌اش وجودت را خالی می‌کند. تو را چه شده است؟ بغضت می‌ترکد و تمام وجودت به لرزه می‌افتد.

تازه می‌فهمی این تو نبودی که قامتش را رصد می‌کردی. انگار تمام حالات درونت را زیر نظر داشته است. تازه می‌فهمی خوبی‌های در خاک شده‌ات، خودِ اوست که حالا در آمده و در مقابلت ایستاده. تمام آن خبرهایی است که خدا می‌خواسته برای تو روایت کند. می‌خواهم تمام تار و پود وجود از تو سرشته باشد. بگذار حتی پاهایم را در جای پای تو بگذارم. من ذره ذرهٔ تو را می‌خواهم ای پیامبر مهربانم.



سه‌شنبه
۴ مرداد ۱۳۹۰
شماره ۱۲
www.Kashef.goo.ir | KashefNews@Live.com

برای عضویت در انجمن ادبی خوشه‌چینان وحی
نام خود را همراه با عبارت «خبرنگار» به شماره
۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید

برای عضویت در گروه خبرنگاران افتخاری کاشف
نام خود را همراه با عبارت «خبرنگار» به شماره
۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید



اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لِي الْفَرَجَ

دهه فرخنده مه دیویه مبارک باد

امام صادق (علیه السلام)

اهل آسمان و زمین به وسیله ظهور او
خوشحال می‌شوند، یرندگان هـوا
وماهیان دریا نیز با ظهور او شادی می‌کنند.

به‌نام س — بیایم حرف‌گوش کنیم..

•رضا دژبخش

می‌گویند کودک در هفت سال اوّل زندگی‌اش، یعنی در دورانی که هنوز به مدرسه نرفته است، نباید به صورت غلط تحت تعلیمات خاصی قرار گیرد. یعنی همین که در محیط خانواده و تحت توجه والدین، رشد می‌کند کافی است و لازم نیست چیزی به او آموزش داده شود مگر یک چیز؛ اذن. یعنی اوّلین و تنها چیزی که در سال‌های

پیشخ — وان

پایان‌نامه؛ پایانِ نامه یا آغاز عرصه‌های جدید!

•محمدعلی زارعیان

پایان‌نامه، برای دانشجویان ارشد و دکترا واژه‌ای آشناست. شاید برای شما هم پیش آمده باشد، که یکی از دوستانتان از شما بخواهد، تا در جلسه ارائه پایان‌نامه او شرکت کنید. شاید پیش خودتان بپرسید: «این دو گزاره چه دخلی به مدرسه قرآن و نشریه کاشف دارد؟»

واحد آم — ورزش

من هرچه از دنیا می‌خواهم دارم

•محمدعلی زارعیان

۱. هر واژه‌ای خارج از فضای سوره یک معنای کلی برای خود دارد، ولی وقتی وارد فضای سوره شد با اختصاصات سوره پیوند می‌خورد و معنای خاصی برای خود در سوره پیدا می‌کند. اینجاست که دیگر واژه تبدیل به موضوع می‌شود. مثلا واژه خسر وقتی توسط سوره عصر استخدام می‌شود این‌طور بسط پیدا می‌کند: از آنجا که به عصر قسم خورده شده است عصر نمی‌تواند خسر باشد و در مقابل خسر قرار می‌گیرد. از جهت دیگر استثنای سوره راهکار خروج از خسر را نشان می‌دهد که عبارت است از: ایمان و عمل صالح و تواصی به حق و تواصی به صبر. همین‌طور سوره را که بسط بدهید واژه خسر از حالت یک واژه خارج می‌شود و می‌تواند به عنوان یک موضوع در سوره عصر بررسی شود.

۲. سوره فاطر دو نظام را در عالم معرفی می‌کند که در جریان هستند. جریان این دو نظام از نیازهای هر انسان

۱۳۹۰ مرداد ۴

آغازین زندگی فرد باید به او آموخته شود «اجازه گرفتن» است، اینکه حرف پدر و مادرش را گوش کند و بدون اجازه آنها کاری انجام ندهد. از طرفی می‌دانیم که اصل و اساس دین، ولایت‌پذیری است. و ولایت‌پذیری – اگر بخواهیم خودمانی بگوییم – همان حرف‌شنوی است، اینکه انسان در فهم مسائل مجتهد شود ولی همیشه در برابر پدر اجتماعی و در پیشگاه ولی‌اش یک مجتهد مقلّد باشد. پس اوّلین چیزی که هرکدام از ما باید در زندگی یاد بگیریم و آخرین چیزی که ما را در دنیا به کمال می‌رساند «حرف‌شنوی» است. به عنوان مثال، همین کاشف خودمان اگر از صفر تا امروز قدمی به جلو برداشته باشد، تنها به برکت حرف‌شنوی بوده است. حرف‌شنوی از صفر تا صد هر چیزی را پر می‌کند. بیاییم حرف گوش کنیم و تا صد برویم.

را، درقالب پایان‌نامه، به صورت کاملاً علمی و جدی، ارائه دهند. خلاصه این که هر کس هوس نشستن سر سفره سوره انسان دارد، چهارشنبه ۵ مرداد، ساعت ۴، با ظرف مناسب، به کلاس ۴ دانشکده پزشکی سری بزند. آقای رجبعلی در این جلسه به عنوان استاد داور حضور دارند و آقای چیت‌چیان استاد راهنما هستند. ضمناً سه جلسهٔ بعد هم که قرار بود به صورت متوالی برگزار شوند، به دلایل معلوم، به بعد از ماه مبارک رمضان موکول شدند. البته تعویق این سه جلسه ارتباطی با درهای مدرسه ندارد.

فکر می‌کند و برای به دست آوردن آنها سعی می‌کند. چرا که برداشت او این گونه خواهد بود: «من هر چه که از دنیا می‌خواهم دارم، فقط هر وقت که اقتضای آن را پیدا کنم از حالت امساک خارج خواهد شد. این حکمت الهی است که داشته‌های مرا امساک کرده تا در موقع لازم به من بدهد. پررنگ بودن نیازهای دنیایی برای من به خاطر تماس داشتتم با دنیاست و برای درک نیازهای حقیقی ام نیاز به تفکر و تعقل دارم. اگر بتوانم با تفکر و تعقل بر تزئین شیطان غلبه کنم تازه خواهم فهمید که نیازهای حقیقی‌ام آن قدر زیاد هستند که هر چه هم از دنیا داشته باشم باز فقیرترین انسان دنیا خواهم بود.» ۵. هر چه رشد کسی بیشتر باشد، نیازهای او نیز بیشتر خواهد شد. هر چه قدر در مسیر صحیح به پیش بروید روز به روز نسبت به معنویات نیاز بیشتری حس می‌کنید.

مجال کم است
گزارشی از جلسه دوشنبه ۲۷ تیر کلاس ساختار وجودی ناس •نعمه پورصالحی

گفتنی‌ها زی — یاد است و فرصت ومجال کم؛

گاهی افراد حاضر در کلاس آنقدر سوّال می‌کنند که یادشان می‌رود کلاس خصوصی نیست واجازه صحبت به استاد هم باید داد. ایشان مدام باید یادآوری کنند که پاسخ‌هایتان را در درس‌های بعدی می‌گیرید، اما عجله افراد

کلاس بر این حرف‌ها غلبه دارد. جا دارد در مورد آقایان کلاس بگویم که فکر می‌کنند کلاس خصوصی است وآرام سوّال می‌پرسند و جواب هم می‌گیرند. که این کارشان می‌تواند دو دلیل داشته باشد یا سوّال‌هایشان آنقدر سطح بالا است که افراد دیگر از فهم آنها عاجزند و یا آنقدر ساده که ... و یا دلیل سومی دارد که ما نمی‌دانیم.

کاشفک

•مریم فردوسی

خانوادگانه

•جوادمذحجی

دوستان گرامی در شماره گذشته نشریه کاشف بر خلاف رویه شماره‌های قبلی ستون خانوادگانه ارائه نشد که این مسئله ناشی از تقارن با جشن‌های نیمه شعبان و نیز تراکم مطالب ارائه شده و البته بروز برخی از مشکلات فنی بود. ضمن پوزش از شما عزیزان در این شماره ستون خانوادگانه دو شماره اخیر، به صورت پیوسته ارائه گردیده است.

ضـرورتِ عملِ گـرایـی

علم خود را نادانی، و یقین خود را شك و تردید میندازید، پس هرگاه دانستید عمل کنید، و چون به یقین رسیدید اقدام کنید.

استـکان و دریـا

یا من هو فی جلاله عظیم

سال‌ها پیش در روستایی دور و غربت زده، در دل کویر، معلّمی به کار تعلیم و تربیت کودکان مشغول بود. معلّم حکایت ما که از سفرهٔ فلسفه، لقمه‌ای پچیده بود، هر از گاه مردم عامی و ساده روستا را نیز بی‌بهره نمی‌گذاشت و از فراز منبر برایشان سخن می‌راند و پر واضح است که گاهی در این میان، گرفتار جوّزدگی می‌گردید و بار سخن را آنچنان بر سر مردم بینوا فرو می‌ریخت که در هزار توی فلسفه‌گرایی سردرگمشان می‌کرد.

از جمله افاضات ویژهٔ جناب معلّم این بود که: «خدایا! تو آنی، توانی، تپانی، جهانی، به آنی، تِه استکانی!» و نتیجه آن‌که ملاترین اهل آبادی، به تصور آن که معلّم روستا ـ معاذ الله ـ معتقد است که «خدا را باید ته استکان جست»، وی را به تشکیک در مقدّسات متهم می‌کرد!

حالا که چند و نیم دهه از آن روزها می‌گذرد از این بنده کمترین خدا خواسته شده است که دریا دریا سخـنِ مولا را در تِه فـنـجانی بگنـجانم آنچنان که عطش کام خواننده را فرو نـشانـد. ضمنِ اعتراف به ناتوانی و عجز این قلم نحیف، پیشنهاد می‌کنم به جای «فنجان سازی دریا»، فنجان به دست، بر ساحل دریای معرفت کلام امیر(علیه‌السلام) بنشینیم و به قدر عطشمان از آن بهره بگیریم.

از این حرف ها که بگذریم اگر در مورد نکات کلاس هم

بگویم خدا را خوش می‌آید:

خداوند برای تأمین زندگی معنوی انسان، پیامبران، رسولان وائمه را به عنوان پدران معنوی ما منصوب نموده است. این به معنای تقویت رکن معنوی هر خانواده و پر کردن خلاء ناشی از کمبودهای آن است.
بیت و خانواده است، چرا که باید ازدواج کنی و کُفویت‌ات را

وقتی بدانی قرار است زلزله‌ای بیاید و همه چیز را به‌هم بریزد، جور دیگری به جهان و آنچه در آنست، نگاه می‌کنی. زندگی در شرایط اضطراری، قوانین دقیق و خاص خودش را دارد! کسی که همیشه راست می‌گوید خبر داده به ما: زلزله در راه است.

و اَمّا نکاتی برگرفته از دریای این هفته:

۱. اگر علم انسان به چیزی، به یقین تبدیل شود، به عمل منتهی می‌گردد و یقین و عمل لازم و ملزوم یکدیگرند. ۲. علم بدون یقین، عمل را به دنبال نخواهد داشت. چنین علمی رفته رفته به جهل تبدیل می‌گردد. ۳. برای اصلاح شدن باید به علم و یقین رسید. ۴. گذشت زمان، موجب تأخیر در مراحل حس، علم و عمل می‌شود، لذا نباید از «مدیریت زمان» غافل شد. ۵. عوامل سه گانهٔ «تداخل با سایر برنامه‌ها»، «غفلت از اهمیّت برنامه» و «تأخیر در اجرا» موجب تبدیل علم به جهل و یقین به شک می‌شود. ۶. قصد انسان در به انجام رساندن کارها را می‌توان به ترتیب جدیت، به سه مرتبهٔ زیر درجه‌بندی نمود: (الف عزم ب) همت ج) اراده | ۷. در مرحله عزم (به عنوان جدی‌ترین سطح) انسان برای انجام کار، برنامه‌ریزی می‌کند و آن را با انگیزه، پشتکار و جدّیت به انجام می‌رساند به گونه‌ای که هیچ عاملی نمی‌تواند موجب شکست این برنامه شود. ۸. عزم، علم را به عمل می‌رساند و اهمیّت عزم تا آنجاست که حذف آن به معنای حذف تکلیف است. ۹. برای آنکه علم انسان به جهل و یقینش به شک بدل نگردد، باید برای برنامه‌ریزی، جدّیت و انگیزه بسترسازی نمود. ۱۰. شکوفایی عزم در انسان، موجب تبدیل شدن علم به عمل می‌گردد. | ۱۱. برای شکوفایی و تقویت عناصر عزم و همت، توجه به نکات زیر ضروری است:

. هر کسی به یک برنامه کلی نیاز دارد که بر اساس اجلی که دارد تدوین می‌شود.
. به برنامه کلی «چشم انداز» می‌گویند.
. هرچه چشم انداز وسیع‌تر باشد، عزم وسیع‌تری نیاز دارد. عزم وسیع با دقت، صبر و تحمل‌محقق می‌گردد.

. برای اجرایی شدن برنامه کلی، باید آن را به برنامه‌های جزیی و مشخص تبدیل کرد به گونه‌ای که قابل محاسبه و ارزیابی باشند.

. در تدوین چشم‌انداز باید به نسبت قرآن و اهل بیت(علیهم‌السلام)، برای خود حالت مطلوب و ایده‌آل در نظر گرفت.

. آغاز خودسازی باید به تناسب طبع و مزاج افراد باشد. این بدان معناست که راه‌های خودسازی باید به دور از تقلید و مشابه‌سازی باشد.

. هر برنامه جزئی باید مبتنی بر استدلالی الهی باشد.
فنجانتان لبریز و کامتان سیراب باد.

پرهیز از دورویی ها — جلسه خانوادگی ۹۰/۴/۲۹

خدایا به تو پناه می‌برم که ظاهر من در برابر دیده‌ها نیکو، و درونم در آنچه که از تو پنهان می‌دارم، زشت باشد، و بخواهم با اعمال و رفتاری که تو از آن آگاهی، توجّه مردم را به خود جلب نمایم، و چهره ظاهرم را زیبا نشان داده با اعمال نادرستی که درونم را زشت کرده به سوی تو آیم، تا به بندگانت نزدیک، و از خشنودی تو دور گردم.
نهج‌البلاغه حکمت ۲۷۶